



## حکم عقل برای مؤمن بی‌توجهی به عیوب دیگران است

آیت‌الله تحریری با اشاره به نادیده گرفتن عیوب دیگران بیان کرد:

آیت‌الله تحریری با اشاره به نادیده گرفتن عیوب دیگران بیان کرد: یکی از مسائل قابل توجه در اخلاق این است که انسان در روابط گوناگون زندگی به طور قهری به عیوب دیگران و خودش برخورد می‌کند، اما اگر کسی در زندگی هدفمند باشد و بخواهد راه صحیح و صفات مطلوب را داشته باشد عقل حکم می‌کند همواره به عیوب دیگران توجه نکند.

به گزارش ایکننا، جلسه درس اخلاق آیت‌الله محمدباقر تحریری، از اساتید برجسته اخلاق و تولیت مدرسه علمیه مروی، با محوریت مواظب اخلاقی امام صادق(ع) به عبدالله بن جنبد، روز گذشته، ۷ خرداد برگزار شد. در ادامه مشروح سخنان این استاد اخلاق را می‌خوانید:

امام صادق(ع) مواظبی را به اصحاب دارند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها برای انسان مفید و لازم است و مربوط به یک دین و دین دیگر نیست و برخی از این مواظب نوعاً این چنین است که از جنبه‌های فطری برخوردار است که اگر انسان فطرت صحیحی داشته باشد و بخواهد در مسیر فطرت الهی که برای او قرار داده شده حرکت کند که فطرت خاستگاهش درک واقعیات است، قطعاً این مطالب را درک می‌کند و هم جهت تلبس و تحققش فراهم می‌شود. یکی از مسائل این است که انسان در روابط گوناگون زندگی به طور قهری به عیوب دیگران و خودش برخورد می‌کند، اما اگر کسی در زندگی هدفمند باشد و بخواهد راه صحیح و صفات مطلوب را داشته باشد عقل حکم می‌کند همواره به عیوب دیگران توجه نکند. توجه به عیوب دیگران برای اصلاح آن، محقق می‌شود و در یک حدی لازم است؛ چون در روابط انسان‌ها مسئله اصلاح و صلاح نیز مطرح است و مسئله نوع دوستی نیز یکی از مسائل فطری است و این مسئله نوع دوستی و کمال‌خواهی از امور فطری است اما گاهی اوقات این امور فطری ناچور در وجود انسان می‌خواهد رشد کند.

ملاک انحرافش این است که با خودخواهی مفرط همراه شود که انسان خودش را بخواهد و به عیوب خود توجه نکند و نواقص دیگران را ببیند. بنابراین اینها مطالبی است که برای انسان‌ها جنبه‌های فطری دارد و بیانات دین و اولیای دین عمدتاً تذکر به آن مدرکاتی است که انسان با فطرت خود درک می‌کند که فرمود: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»، یا فرمود ای پیامبر(ص)، تو فقط مذکر هستی و راه را نشان می‌دهی و آثار را بیان می‌کنی که البته فطرت بشر کلیات امور خوب و بد را درک می‌کند. اما از درک جزئیات عاجز است که با وحی الهی چنین درکی حاصل می‌شود که جزئیات امور خوب و بد به مصادیق ربط پیدا می‌کند تا مورد توجه قرار بگیرد.

برای نمونه، ظلم بد است، عدالت و احسان خوب است که خدا نیز بر عدل و احسان امر کرده است، اما اینکه عدالت چیست و انسان در چه عرصه‌هایی به عدالت نیاز دارد، مواردی است که باید از تشریح مطرح شود. کسی که خود مظهر عدل است، موارد عدل را درک و پیاده می‌کند. بنابراین، این بیانی که عرض شد از فرمایشات عیسی(ع) است که فرمود خوشا به حال آن کسی که چشمش را در قلبش قرار دهد؛ یعنی سعی کند به خودش نگاه کند و چشمش را در این قرار ندهد که بیرون را نگاه کند. سپس می‌گویند در عیب مردم مانند ارباب که مدام دنبال نقص گرفتن از آن کسی است که برده او است نباشید.

رابطه خداوند با انسان، رابطه رب و عبد است، اما او رب رؤوف و رحیم است؛ یعنی از خود ما نسبت به خود ما آگاه تر است؛ چون احاطه علمی به همه خصوصیات وجود ما دارد، اما ما را با آن احاطه علمی اش مؤاخذه نمی‌کند. علم الهی این چنین است که ما حقیقتش را درک نمی‌کنیم، بلکه اولیای الهی درک می‌کنند و به ما چیزهایی می‌فرمایند تا ما نیز چیزهایی درک کنیم. امام علی(ع) در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه می‌فرمایند ما از خدا به جهت احاطه علمی که به ما دارد طلب مغفرت می‌کنیم چون خیلی از حالاتی که از ما سر می‌زند مخفی است، اما خفا برای او معنا ندارد. بنابراین کلیت ارتباط عبودی با او این است که در همه مراحل مطیع او باشیم. در ادعیه نیز این مطالب آمده است و اینها تعبیراتی است که آن حالت ما را با خدا نشان می‌دهد که باید حالت بیچارگی را با این لسان‌ها داشته باشیم.

حضرت(ع) فرمودند باید سعی کنیم به عیوب خود نگاه کنیم، اما با این خصوصیت که چطور عبد به عیوب خود نگاه می‌کند که با این توجه خود را مستحق مذمت می‌بیند، اما نباید انسان را به یأس بکشاند و نباید این مذمت‌های ما نسبت به خود به جایی برسد که خود را از حیز انتفاع خارج بدانیم. این فرمایشات برای این است که در ارتباط‌های خود با فرزند و دوست و ... خود همواره به جنبه‌های منفی نگاه نکنیم بلکه به جنبه‌های مثبت هم نگاه کنیم و به جنبه منفی نیز برای اصلاح توجه کنیم، نه برای

پیگیری و رسوا کردن، لذا هشدار داده اند که اگر انسان برای رسوا کردن مردم به عیوب دیگران توجه کند، خدا او را رسوا می کند. نبی اکرم(ص) فرمود عیوب مردم را دنبال نکنید. اگر انسان این حالت را داشته باشد، مبتلا به غیبت هم می شود و ذهنش مدام دنبال نقص است و مبتلا به تهمت هم خواهد شد.

بنابراین مبادی کارها را باید اصلاح کنیم و فرمودند در جهت صلاح و اصلاح باشیم و اینها را بدانیم، آن وقت قهرآ به عیب هم که برخورد می کنیم، با این دید؛ یعنی با دید ترحمی به شخص معیوب نگاه می کنیم. بنابراین عیسی(ع) در ادامه می گوید مردم دو دسته هستند، برخی مبتلا به گرفتاری های اخلاقی و ... هستند و برخی نیز این طور نیستند و سپس فرمود به شخص مبتلا ترحم کنید و کاری نکنید نابود شود، بلکه کاری کنید که رو پا بیاید. برخی مکتب ها دنبال این هستند که دیگران را زمین بزنند، نه اینکه ضعفاً را تقویت کنند. اینها دیدگاه های مادی گرایانه نسبت به انسان است و آنهایی که یک مقدار از کار می افتند را حساب نمی کنند و دید ترحمی را ندارند که همه انسان هستند و باید به اندازه خود حیات داشته باشد، بنابراین فرمود با شخص مبتلا، با دید رحمت برخورد کنید.

سپس فرمود خداوند را نیز بر عافیت حمد کنید و اگر به عافیت خود و دیگری برخورد کردید توجه کنید که به تنهایی به آن نرسیده اید و خدا است که این لطف را کرده و در روابط اجتماعی و ... نیز چنین است، بنابراین این حمد هم نسبت به عافیت خود و هم نسبت به عافیت دیگران است و این نشان از دید وسیع اولیای الهی دارد. بنابراین فرموده اند که اگر انسان یک وقت چنین حالتی داشت و خواست دنبال عیوب دیگران باشد، در مسیر عقل نیست. امام صادق(ع) نیز فرمود وقتی دیدید شخصی دنبال گناهان دیگران است و گناهان خود را فراموش می کند بدانید مبتلا به مکر الهی شده و این مسائل باید برای ما مورد توجه و ملکه شود.